

جمله های تو در تو دارد و از لغات مغلق و اصطلاحات نامألوف انباشته است. حقیقت هم همین است که نوشته های وی مطبوع طبع افراد آسان یاب نیست. نثر زرین کوب پژواکی از دریای متلاطم اندیشه اوست که کاسه شیوه های مرسوم و معتاد گنجایش آن را ندارد. وی اندیشه وری بود که حرفی تازه برای گفتن داشت و برای بیان مکنونات ذهن خویش تمامی ذخایر زبان را از کهنه و نو به یاری می طلبید و از به کار بردن ساختارهای کهن و مصطلحات اهل مدرسه در کنار مضامین نو و حتی برخی واژگان خاص زبان گفتار پروا نداشت. خلاقیت اندیشه و انسجام درونی بیان ملاطی بود که این مصالح به ظاهر ناجور را به هم می پیوست و به سخنش لطف و جاذبه می بخشید. با آن که بر زبانهای اروپایی تسلط داشت و شیوه تحقیق را در مکتب زمان آموخته بود، اندیشه و آثارش رنگ و بوی اصیل ایرانی داشت و همان گونه که در فکر صاحب مکتب بود، در نثر هم صاحب سبک بود و در این می کوشید تا زبان مادری اش، در عین حفظ اصالت، کمیت و کیفیت زبانهای نیرومند اروپایی را احراز کند. زرین کوب در زمره نویسندگان نه چندان پرشماری ست که با خواندن آثارشان پی می بریم که ناتوانی فارسی امروز نه یک خصیصه فطری زبان، بلکه (به قول مرحوم خانلری) از ضعف اندیشه گویشوران امروزین آن است. یادش گرامی و روانش شاد باد.

نیویورک، ۱۸ دی ۱۳۷۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

محمد استعلامی

عبدالعفور روان فرهادی

خواجه عبدالله انصاری

مجموعه تصوف و عرفان (۳)\*

مترجم: دکتر مجدالدین کیوانی

نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ ش

\* در شماره پانز ایران شناسی، این مجموعه را (Curzon Sufi Series) به طور کلی، و نخستین کتاب آن را معرفی کردیم. در شماره زمستان ۱۳۷۸، دومین کتاب آن مجموعه، و اینک سومین و چهارمین کتاب «مجموعه تصوف و عرفان» را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

سومین کتاب از «مجموعه تصوف و عرفان» نشر مرکز، رساله ای ست شامل سرگذشت و معرفی آثار خواجه عبدالله انصاری، که اصل انگلیسی آن را دکتر عبدالغفور روان فرهادی دانشمند سرشناس معاصر افغانی نوشته، و پس از معرفی هر اثر ترجمه انگلیسی نمونه هایی از آثار پیرهرات را بر آن افزوده است. مترجم همراه با ترجمه مطالب مؤلف، نمونه هایی را که از آثار فارسی انصاری ست، از متن اصلی نقل کرده، و آنچه را از آثار عربی اوست، از ترجمه انگلیسی روان فرهادی به فارسی برگردانده است، و خاصه در مورد کتاب پر حجمی مثل ذم الکلام که به زبان عربی ست و هنوز به چاپ نرسیده، جز این راهی نبوده است.

کتاب خواجه عبدالله انصاری پس از فهرست مطالب و جداول و ضمائم، با پیشگفتار مترجم آغاز می شود که یک معرفی کوتاه از خواجه عبدالله است که «از افراط کاریهای بعضی از صوفیان تن می زد و می کوشید تا حد اعتدالی میان طریقت و شریعت برقرار کند»، سماع صوفیان را نمی پسندید، شطحیات بر زبان نمی آورد، ابراز کرامت را از جانب اولیاء درست نمی دانست، و می گفت: «بر ولی واجب است که کرامت بیوشد... و طالب استقامت باشد، نه طالب کرامت (مقدمه مترجم، ص: دوازده).» «کوتاه سخن آن که انصاری از صحو و سکر، راه اول را برگزیده بود. او صوفی هشیاری بود اما به نظر می رسد که مبتلا به عبوس زهد نبود» (مقدمه مترجم، ص: سیزده).

مقدمه مترجم با خلاصه ای از سرگذشت و شرح احوال و آثار دکتر عبدالغفور روان فرهادی ادامه می یابد، «دانشمند، سیاستمدار، جامعه شناس، ادیب و عارف افغانی که علاوه بر مقالات متعدد در عرفان و شخصیت انصاری، در ۱۳۳۵ ش کتابی با عنوان پیر هرات، نوشته انصاری شناس فرانسوی سرژ دو بورکوی (Beaurecueil, Serge de Laugier) را از فرانسه به فارسی برگرداند، و منازل السائرين شيخ الاسلام (انصاری) را که همین دانشمند فرانسوی ویرایش و چاپ کرده بود، همراه با ترجمه فارسی آن، به انضمام مقایسه ای میان مندرجات این کتاب با دو کتاب دیگر انصاری صد میدان و علل المقامات - به چاپ رساند».

پس از مقدمه مترجم، پیشگفتار مؤلف می آید که در آن روان فرهادی نخست به کارهای پژوهشگران مقدم بر خود - ولادیمیر ایوانف، هلموت ریتز، و سرژ دو بورکوی اشاره می کند، و از معاصرانی که او را در این کار یاری کرده اند - دکتر ابراهیم گمرد، دکتر لئونارد لویسون (Leonard Lewisohn) پروفیسور حامد الگار (Hamid Algar) و یان ریچارد (Ian Richard) سپاسگزاری می کند.

متن کتاب خواجه عبدالله انصاری، دو بخش دارد: یک بخش کوتاه که خلاصه سرگذشت پیر هرات است، و بخش دوم که در هشت قسمت جداگانه آثار او را معرفی می کند، و از هر کتاب نمونه ای پیش چشم خواننده می گذارد. در ترجمه حاضر، گزیده هایی که از آثار فارسی انصاری ست، با اصل اثر مقابله شده و عبارات متن اصلی نقل شده است. مؤلف در شرح احوال خواجه عبدالله، نخست منابع کار خود را نام برده، و آن گاه سلسله نسب پیر هرات را آورده - که پشت هشتم ابو ایوب خالد بن زید آزدی از یاران پیامبر اسلام است - و سپس از سالهای تحصیل و مطالعه و سیر و سلوک خواجه، معلومات دقیقی به دست داده است. از وقایع قابل ذکر زندگی پیر هرات دیدار او با ابوسعید ابی الخیر و شیخ ابوالحسن خرقانی ست (ص ۸). موفق ترین و پرحاصل ترین سالهای زندگی او، سالهای ۴۴۵ تا ۴۵۵ هجری ست که شهرت او به عنوان یک مرشد و مدرس عرفان و تصوف در سراسر امپراطوری سلجوقی و نیز در قلمرو خلافت عباسی پیچیده بود (ص ۹). در روزگار الپ ارسلان سلجوقی، رقیبان او بارها کوشیدند که شیوه تدریس و ارشاد او را بدعت به شمار آورند و توفیقی به دست نیاوردند. انصاری پس از گذراندن یک زندگی پر فراز و نشیب و در مجموع بسیار موفق، در سالهای پیری نابینا شد، و با این حال از تدریس و ارشاد باز نایستاد، و در همان سالها منازل السائرین را به زبان عربی تقریر کرد و شاگردانش آن را نوشتند. خواجه عبدالله از مسلمانان فرقه سنی حنبلی بوده، و به نظر دکتر روان فرهادی، سرگذشت او نیز در موارد بسیاری به احمد بن حنبل شباهت داشته است (ص ۱۲ و ۱۳). اما پس از آن که ابن تیمیه در اواخر قرن هفتم هجری، و پس از او محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم هجری «جنبه های خشک و سخت گیرانه» مذهب حنبلی را تبلیغ و تأکید کردند و مذهب وهابی پیروان بیشتری یافت، کسانی چون پیر هرات که عرفان و تصوف را پایه ارشاد خود ساخته بودند، در نظر وهابیان بدعت گذار به شمار آمدند (ص ۱۵). سرگذشت پیر هرات در این کتاب، با جدولی پایان می یابد که سلسله ارتباط او را با مکتب احمد بن حنبل، و فاصله فکری او را با ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب و وهابیان نشان می دهد.

در بخش دوم - که بیش از هشتاد درصد کتاب را در برمی گیرد - دکتر روان فرهادی نخست به این نکته می پردازد که بیشتر آثار پیر هرات را خود او فقط تقریر کرده، و نگارش آنها را شاگردان و مریدان او انجام داده اند، و به همین دلیل طبقات الصوفیه او «یادداشتهای درسی خام و ناپرداخته ای» است، و کتابهای صدمیدان و منازل السائرین، شباهت به یادداشتهای یادآوری کننده ای دارد که دانشجویان رشته های نظری برای

آمادگی در روزهای امتحان تهیه می کنند (ص ۲۰). در نسخه های آثار او نیز که از قرن نهم به بعد باقی مانده، غالباً اختلاف عبارات بسیار است و حکایت از آن دارد که کاتبان در آنها به اقتضای فهم یا اعتقاد خود تصرفاتی کرده یا گاه مثلاً مناجات نامه ای نوشته اند که پاره هایی از عبارات مناجات پیرهرات را نیز در بر دارد (ص ۲۱). در مورد هر یک از هشت اثری که مؤلف آنها را از خواجه عبدالله می داند - کشف الاسرار، ذم الکلام، طبقات الصوفیه، صدمیدان، منازل السائرین، علل المقامات، مقولات و اندرزها، مناجات - برای هر اثر یک یادداشت مقدماتی در کتاب آمده، و پس از آن گزیده هایی از متن آثار خواجه با پاره ای توضیحات و ضمائم همراه است، در واقع آنچه از محتوای این بخش دوم به ترجمه نیاز دارد همان «یادداشت های مقدماتی ست و بعضی از توضیحات مهم که به دنبال گزیده ها می آید. در مورد بعضی از آثار نیز، دکتر روان فرهادی جدولهایی بر کتاب افزوده که محتوای کتاب و گاه نوعی طبقه بندی مفاهیم آن را در بر دارد. چند پیوست و یک کتابنامه نیز در پایان کتاب افزوده شده، که برای درک بهتری از کتاب، و نیز برای مطالعه وسیعتر روی آثار پیرهرات خواننده را یاری می کند.

\*

کارل دبلیو. ارنست

روزبهان بقلی

مجموعه تصوف و عرفان (۴)

مترجم: دکتر مجدالدین کیوانی

نشر مرکز، تهران ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ ش.

چهارمین کتاب از «مجموعه تصوف و عرفان» نشر مرکز، اثری ست از Carl W. Ernst استاد بخش مطالعات مذهبی در دانشگاه کارولینای شمالی، درباره احوال و آثار «روزبهان بقلی» شیرازی، صوفی نامدار قرن ششم هجری. روزبهان عارف پرشور و حالی ست که در زمان خود، و نیز در قرن هفتم و هشتم شهرت و اعتباری داشته، و پس از آن گویی غبار فراموشی بر سیمای او نشسته، و به نظر دکتر مجدالدین کیوانی مترجم کتاب، «بیان بیش از حد استعاری، کاربرد صور خیال در حد افراط و...» این غبار فراموشی را بر چهره و آثار او نشانده، و زبان نوشته های او را «پیچیده و دیریاب» ساخته است (مقدمه مترجم، ص ۱ و ۲).

روزبهران در میان دو قطب سکر و صحو در تصوف اسلامی، مانند حلاج و بایزید گرایش به سکر دارد، و اساس طریقت او بر عشق ورزی و جمال پرستی ست، و رسیدن به کمال معنوی را هم از همین طریق دانسته است، و به همین دلیل آثار او - خاصه عبهرالعاشقین - به فهم مضامین سخن شاعرانی چون عطار، مولانا، عراقی و حافظ کمک می‌کند. «از اینها گذشته، شناختن و شناساندن عالم روحی و فضای ذهنی روزبهران از نظر روان‌شناسی دین و عرفان جالب و ارزشمند است... سخنان به ظاهر غیر عادی (شطحات) او حکایت از جهانی پر رمز و راز و خیال‌انگیز دارد که تصورش برای ذهنهای عادی ناممکن می‌نماید... او یک بار خوشتن را در فضایی از نور می‌بیند که خداوند پیش او می‌آید، بار دیگر خود را بر کوه طور و خدای را در باغهای ازل رؤیت می‌کند...» (مقدمه مترجم، ص ۲ تا ۴). و در این گونه موارد زبان و مضامین سخن او فقط برای کسانی قابل درک است که «در علوم ظاهر و باطن مستحضر و بر اصطلاح ارباب تحقیق واقف» باشند (مقدمه مترجم، ص ۵). مترجم در مقدمه خود، این کتاب کارل ارنست را گامی مبارک در جهت شناساندن روزبهران بقلی می‌داند و به اهمیت روزبهران نامه - شامل دو زندگی نامه به قلم دو تن از نوادگان روزبهران - نیز اشاره می‌کند، که به همت شادروان محمد تقی دانش پژوه انتشار یافته، ولی جنبه های تحلیلی و انتقادی آثار و اندیشه های روزبهران را در بر ندارد (مقدمه مترجم، ص ۶).

مؤلف در پیشگفتار کتاب، روزبهران را «شخصیتی فراموش شده در پژوهشهای صوفیانه» توصیف می‌کند، و می‌گوید: «سنت تصوف چنان گستره عظیمی دارد که ما فقط با تعداد انگشت شماری از بزرگان آن آشناییم» (ص ۱). در همین پیشگفتار می‌خوانیم: «روزبهران بقلی زندگی نامه ای به عربی و فارسی آکنده از گزارش رؤیت‌های پرشور و حالات وجد آمیز بر جای نهاده که بر حسب فلسفه ما بعد الطبیعه با مبنایی قرآنی تفسیر شده، و دارای سبکی بسیار شاعرانه است. او در زمانی می‌زیست که تصوف پس از قرن‌ها در خلوت و بدون تشریفات بودن، رفته رفته به حرکتی با پایگاه وسیع اجتماعی تبدیل می‌شد... اگر کسی بخواهد روزبهران را با شخصیتی در تاریخ دینی غرب مقایسه کند، می‌تواند او را آمیزه ای از سنت آگوستین St. Augustine (۳۵۴ - ۴۳۰ میلادی) و هیلدگارد بینگنی Hildegard of Bingen (۱۰۹۸ - ۱۱۷۹ میلادی) در نظر گیرد. روزبهران همچون آگوستین تأثیر عمیقی بر تفسیر کتاب آسمانی در سنت دینی خود داشت... نیز به مانند هیلدگارد زندگانی آمیخته با رؤیت‌های تند و پرشوری داشت که مواد خام برای بیان در قالب استعاره و شیوه‌های پر رمز و راز در اختیار او می‌گذاشت...» (ص ۱۰ و ۱۱).

پیشگفتار مؤلف با یک «بررسی اجمالی تحقیقات درباره روزبهان» و اشاره به کارهای لویی ماسینیون، ولادیمیر ایوانف، هانری گُربن، دکتر محمد معین، محمد تقی دانش پژوه، دکتر جواد نوربخش و چند تن دیگر ادامه می‌یابد، و او در این بررسی اجمالی، معلومات دقیق و فشرده‌ای به خواننده می‌دهد که حاکی از احاطه و آگاهی وسیع او درباره روزبهان و آثار اوست، و به دنبال این پیشگفتار نیز یادداشتهایی می‌آید که فهرست دقیقی از آثار پژوهشگران دیگر را نیز در بر دارد. در همین پیشگفتار ارنست از هدفهای پژوهش خود نیز سخن می‌گوید، و با توجه به سه منبع اصلی سرگذشت روزبهان - کشف الاسرار خود او، اولیاء نامه روح الجنان، و تحفة اهل العرفان - می‌کوشد که «تجربه‌های عرفانی مطرح شده در تألیفات روزبهان را از طریق تحلیل شیوه شطحیات او در حوزه ولایت و قداست به روشنی تبیین و توصیف کند» (ص ۱۶ و ۱۷). پیش از ورود به متن اصلی، مؤلف نمودارهایی عرضه می‌کند که خلاصه تاریخ طریقه روزبهانیه، و سند خرقة روزبهان را مطابق روایات منابع سه گانه به دست می‌دهد.

متن کتاب روزبهان بقلی سه بخش است: بخش اول زندگی روزبهان است، ولادت او در یک خانواده اهل دیلمان که در دین تعصب و تجربه خاصی نداشتند، رشد و بیداری او و تجربه‌های روحانی او در سالهای کودکی و بلوغ، و سرانجام پیوستن او به طریقت صوفیان. این که به نظر ماسینیون او در کتابخانه رباط بنوسالبه در شیراز، آثار حلاج را خوانده باشد، و ارتباط او با صوفیان نامدار دیگر و آثار و اندیشه‌های آنها، مطالبی است که در صحت و سقم جزئیات آنها حکم نمی‌توان کرد. در همین بخش، مؤلف از طریقه روزبهانیه نیز سخن می‌گوید، و از فراز و نشیبهایی که این طریقه در طی هشتصد سال گذشته با آن رو به رو بوده است. نیز سندی را ارائه می‌کند که سلسله انتقال پیشوایی این طریقه را تا سید مرتضی زبیدی - که تا اوایل قرن سیزدهم هجری می‌زیسته - در بر دارد، و تأثیر روزبهانیه را در شاعران و نویسندگان قرون بعد، و در فرقه‌های دیگر صوفیه مطرح می‌کند. یادداشتهای این بخش نیز راهنمای سودمندی است برای خواننده‌ای که در جستجوی دانش بیشتر درباره روزبهان و روزبهانیه باشد.

بخش دوم کتاب درباره «ساختار درونی ولایت» است، با تکیه بر کتاب کشف الاسرار روزبهان، یک «زندگی نامه خودنوشت» که در آن روزبهان «زندگی درونی» خود را بیشتر به تصویر می‌کشد و می‌گوید: «والله در تمام مدت تا این زمان که پنجاه و پنج سال دارم، روز یا شبی بر من نگذشته که کشفی از عالم غیب برای من حاصل نشده باشد» (ص ۵۱)، و بدنه اصلی کشف الاسرار او هم گزارش همان کشفها و

رؤیتهاست، که می‌کوشد آنها را توصیف کند، اما سرانجام به این نتیجه می‌رسد که: کس کم‌ثله شیء (ص ۷۹). بسیاری از این رؤیتها همراه با گشودن درهای آسمان است و در فضایی چون معراج (ص ۸۳). و باز، در پایان این بخش یادداشتهای آقای ارنست برای مطالعه ای وسیعتر می‌تواند خواننده را یاری و رهنمایی کند. کوشش بی‌دریغ و صمیمانه مترجم نیز قابل ذکر است که بسیاری از نقل قولهای کتاب را با کشف الاسرار و آثار دیگران روزبهران مقابله کرده، و نقل دقیق و درست را پیش چشم خواننده گذاشته است.

بخش سوم کتاب درباره «تأسیس یک طریقت صوفی» است، و به عبارت دیگر گرد آمدن مریدانی که با دل‌بستگی و اعتقاد، پیروی از روزبهران را برگزیده، و ارشاد و تربیت او را مایه وصول به حق دانسته اند. همان مریدان بوده اند که خانقاه روزبهران - و پس از مرگش مرقد او - را در شیراز زیارتگاه ساختند. روزبهران علاوه بر هدایت یاران خانقاهی خود، برای بسیاری از عامه اهالی شیراز نقش اجتماعی نیز داشت، خود او و پس از او فرزندان و نوادگانش روایتی نزدیک با فرمانروایان فارس داشتند. با این حال طریقت روزبهرانیه پس از چهار نسل از نوادگان او، اندک اندک زیر غبار فراموشی رفت، و مرقد او نیز چند قرن صورت یک زیارتگاه نداشت، تا این سالهای اخیر که هانری کربن و دکتر محمد معین همراه با نشر آثار او، به زنده کردن خاطره‌های او نیز کوشیدند (ص ۳۷ و ۱۸۹). در آغاز قرن هشتم هجری دوزندگی نامه یا مناقب نامه روزبهران به دست دو تن از نوادگان او نوشته شد: یکی تحفة اهل العرفان از شرف الدین ابراهیم، و دیگر روح الجنان از شمس الدین عبداللطیف، دو برادر که پشت چهارم روزبهران بوده اند (ص ۱۹۲). در این دو مناقب نامه برای نشان دادن حالات روحانی روزبهران، از کشف الاسرار او استفاده کرده اند، و مؤلف نمونه‌هایی از آن موارد را در مقایسه عباراتی از کشف الاسرار با تحفة اهل العرفان و روح الجنان نشان داده است. این بخش سوم از نظر شناساندن شخصیت روزبهران و حالات روحانی او، فصلی فشرده و پر مایه است، و در ترجمه فارسی آن نیز بیان مترجم چنان است که خواننده را به دنبال می‌کشد. در ادامه همین بخش، گفتگو از فرزندان روزبهران و پیوندهای سیاسی روزبهرانیه مکمل سودمندی است بر معلومات گوناگون و جامعی که آقای کارل ارنست در کتاب خود آورده است.

پس از سه بخش اصلی، کتاب خاتمه ای دارد که در آن مؤلف با نقل گوشه‌هایی از کشف الاسرار روزبهران، نشان می‌دهد که او چگونه خود را وارث همه انبیاء و اولیاء می‌داند و آنها را صحه گذار برتری خویش می‌بیند (ص ۲۳۳ تا ۲۳۶). در همین خاتمه می‌خوانیم که نواده‌های روزبهران هم احتمالاً ادعاهای اغراق آمیز او را باور نداشته و بسیاری از رؤیتها

و روایت‌های او را در روح الجنان و تحفه اهل العرفان نیاورده اند (ص ۲۳۷). کتاب دو پیوست هم دارد، یکی در معرفی آثار روزبهان با یک طبقه بندی موضوعی که نام چهل و پنج اثر فارسی و عربی را در بر دارد. بسیاری از این آثار هنوز به صورت دستنویس در کتابخانه‌ها باقی مانده و به چاپ نرسیده، یا کتابها و رساله‌هایی ست که در دو مناقب نامه روزبهان یا کشف الاسرار خود او یاد شده و نسخه‌ای از آنها در دست نیست. پیوست دوم در باره معراج بایزید یا شطحیات بایزید است که روزبهان آن را به عربی و به فارسی در آثار خود آورده، و آقای ارنست با مقایسه دو تحریر فارسی و عربی، نمونه‌هایی از آنها را به دست داده است. پس از این پیوستها، فهرست منابع و فهرست الفبایی کتاب می‌آید، و به پایان این اثر سودمند می‌رسیم.

موتراآل، ۱۴ نوامبر ۱۹۹۹

## جلال متینی

دکتر منوچهر پارسا دوست

شاه تهماسب اول

صفحات ۱۰۳۸، بها ۵۵۰۰ تومان

شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۷

این سومین کتاب تألیف دکتر پارسا دوست است درباره دوره صفویه که پس از دو کتاب دیگر او - روابط دیپلماسی شاه عباس اول با اسپانیا و پرتغال (تهران، ۱۳۴۵)، و شاه اسماعیل اول (تهران، ۱۳۷۵) - اخیراً در تهران به چاپ رسیده است.

در این کتاب دوران زندگانی شاه تهماسب اول (۹۱۹-۹۸۴ ه.ق.)، دومین پادشاه سلسله صفویه که بیش از ۵۰ سال پادشاهی کرد از جهات مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. کتاب با پیشگفتار مؤلف آغاز می‌گردد که در آن عشق به ایران و تاریخ ایران و ضرورت آشنایی عمیق با تاریخ به چشم می‌خورد با این استدلال که «اگر می‌خواهیم وضع امروز خود را به درستی بدانیم باید گذشته خود را با دقت و موشکافی مورد بررسی قرار دهیم» (ص ۱۵). سپس زندگی شاه تهماسب در هفت بخش، و هر بخش در چند فصل در ۹۳۳ صفحه همراه با «بخش ضمائم» در ۷ قسمت (۹۳۵-۹۶۴)، فهرست «منابع فارسی» و «منابع انگلیسی و فرانسه» (۹۶۵-۹۸۴)، و فهرست اعلام (۹۸۳-۱۰۳۸) از نظر خواننده می‌گذرد.